

همسویی رویکرد قانونگذاری ایران با مقررات بین‌المللی

در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری

محمدهادی میرشمسی^۱

چکیده

در حقوق مالکیت ادبی و هنری بنابر اصل استقلال حاکمیت دولت‌ها، هر کشوری به تناسب شرایط و اقتضائات داخلی و سیاست‌های مد نظر مقرراتی را برای حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و صاحبان حقوق مجاور وضع و اجرا می‌نماید، لکن تفاوت قوانین ملی کشورها که ناشی از اختلاف در رویکردها، سیاستگذاری‌ها و سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها است، موجب پراکندگی و تشتت در برخورد با آثار ادبی و هنری و فعالیت‌های حوزه علم، ادب و هنر می‌شود، چراکه کشورها به منظور جلب منافع ملی خود با موضوع واحد، رفتار متفاوت دارند که در نتیجه آن، دارنده حق (اعم از مؤلف یا صاحب حقوق مجاور) بسته به قانون حاکم از حمایت‌های متفاوت و ضمانت‌های اجرایی ناهمگون برخوردار خواهد بود. معاهدات دوجانبه کم‌تر و مقررات چندجانبه بین‌المللی بیشتر درمانی برای این آشفتگی مقررات در سطح جهانی هستند. کنوانسیون‌های برن و رم اولین و مهم‌ترین مقرره بین‌المللی در حوزه حقوق مؤلف و حقوق مرتبط به شمار رفته و با عضویت تعداد زیادی از کشورها (به ترتیب ۱۸۳ و ۹۲) در راستای ایجاد استانداردها و هنجارهای مهم بین‌المللی و متحدالشکل کردن قوانین ملی کشورها موفق بوده‌اند. موافقت‌نامه تریپس و معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری نیز با تأیید مفاد آن کنوانسیون‌ها و اضافه‌نمودن مقررات لازم از جمله مفاد متناسب با فضای دیجیتال، نزدیکی بیشتری بین قوانین ملی ایجاد کرده‌اند. ایران به هیچ کدام از مقررات

۱. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: mh_mirshamsi@atu.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۹/۱

بین‌المللی راجع به مالکیت ادبی و هنری نپیوسته، در سطح ملی نیز قوانین این حوزه مورد اصلاح و تغییر اساسی و متناسب با تغییرات فناورانه واقع نشده است، اما لایحه حقوق مالکیت ادبی و هنری ضمن تجمیع مقررات حقوق مؤلف و حقوق مرتبط، با مقررات بین‌المللی به ویژه معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری و در خصوص حمایت از آثار، اجراها و فونوگرام‌ها هم در فضای واقعی و هم در محیط سایبر در موارد متعدد همسویی و هماهنگی داشته است و تصویب نهایی آن در مرجع قانونگذاری می‌تواند حقوق ملی ایران را به حقوق بین‌المللی و استانداردهای سازمان جهانی مالکیت فکری در حوزه کپی‌رایت نزدیک نماید.

واژگان کلیدی

مقررات بین‌المللی حقوق مؤلف و حقوق مجاور، فضای سایبر، معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری

مقدمه

هرچند حمایت کشورها از مالکیت فکری از جمله مالکیت ادبی و هنری بنا بر اصل استقلال حاکمیت دولت‌ها تابع اصل سرزمینی^۱ و محدود به قلمرو هر کشور است، لکن عواملی چون ضرورت مبادلات تجاری فراملی، سهولت تکثیر و جابجایی اموال فکری، لزوم مبادلات فرهنگی ملل، اصل دسترسی آزاد به دانش و اطلاعات و حمایت از حق مصرف‌کننده و جامعه در برخورداری از اموال فکری و فرهنگی اصیل، کشورها را به هم فکری، هماهنگی و همسویی در حمایت از اموال فکری فراتر از قلمرو ملی و داخلی خود مجاب کرده است و به مرور معاهدات دو یا چندجانبه و سپس مقررات بین‌المللی برای حمایت از پدیدآورندگان اموال فکری و صاحبان آن شکل گرفت. در حوزه مالکیت ادبی و هنری علاوه بر قوانین ملی، از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری بر اساس معاهدات دوجانبه که در اواسط قرن نوزدهم رایج بود، حمایت می‌شد، اما به دلیل عدم جامعیت و فقدان شکل واحد، این حمایت‌ها مناسب نبود و نیاز به نظام متحدالشکل در سطح بین‌المللی بود که در نتیجه، تنظیم و تصویب کنوانسیون برن را در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ در پی داشت. (وایپو، ۲۰۰۸ م.)

کنوانسیون برن نخستین و در عین حال مهم‌ترین مقرر بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری است. ولی همان‌گونه که از عنوان و مفاد آن مستفاد است، این سند فقط استانداردهایی را برای حمایت از آثار ادبی و هنری (حقوق مؤلف^۲) مقرر داشته و کشورها را به رعایت آن ملزم می‌کند، اما این کنوانسیون نسبت به حقوق مرتبط^۳ (حقوق مجاور^۴) که جزء دیگر مالکیت ادبی و هنری است و در کنار حقوق مؤلف نظام یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهد، حکمی مقرر نکرده است. به منظور ایجاد نظامی بین‌المللی برای حمایت از صاحبان حقوق مجاور

(اجراکنندگان، آوانگارها و سازمان‌های پخش) که در واقع اشاعه‌دهندگان آثار ادبی و هنری هستند، کنوانسیون رم در سال ۱۹۶۱ شکل گرفت. این کنوانسیون مهم‌ترین و جامع‌ترین سند بین‌المللی در خصوص حمایت از مددکاران پدیدآورندگان آفرینش‌های فکری است.

علاوه بر این دو کنوانسیون، مقررات بین‌المللی دیگری در حوزه حقوق مؤلف و حقوق مجاور به تصویب رسیده که موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)^۵ و معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری^۶ (معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری در خصوص حقوق مؤلف^۷ و معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری در خصوص اجراها و فونوگرام‌ها)^۸ از این جمله‌اند. نکته مهم این است که تمامی این مقررات صراحتاً مفاد کنوانسیون‌های برن و رم را تأیید و بر عدم نقض آن تصریح داشته و به نوعی مکمل آن‌ها می‌باشند.

امروزه بسیاری^۹ از کشورها به مقررات بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت ادبی و هنری به ویژه کنوانسیون‌های برن و رم پیوسته و قوانین ملی خود را در چارچوب مقررات امری آن تنظیم کرده‌اند. نتیجه این است که به علت تعهد کشورهای عضو به رعایت استانداردهای مقرر در این مقررات بین‌المللی، مقررات ملی کشورها هرچند تابع اصل سرزمینی است، ولی بسیار به هم نزدیک بوده و تقریباً نظامی واحد و جهانی در حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و اشاعه‌دهندگان آن شکل گرفته است.

اما سؤال مهم این‌که با توجه به عدم الحاق ایران به مقررات بین‌المللی حوزه حقوق مؤلف و حقوق مجاور، آیا قوانین داخلی کشور با این مقررات هماهنگ و همسو است؟ مسلماً به علت عدم الحاق، ایران تعهدی برای رعایت اصول و استانداردهای مندرج در این مقررات ندارد، اما عضویت در سازمان جهانی مالکیت

فکری و حضور در جامعه جهانی و مشارکت در معاملات و تبادلات علمی و فرهنگی از یکسو و برنامه‌ریزی برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت به طور غیر مستقیم موجب شده که برخلاف عدم الزام قانونی، ایران مسیر همسویی با استانداردهای بین‌المللی را در پیش گیرد. مواردی از این هم‌نوایی که در لایحه حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری بروز یافته در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - مفهوم‌شناسی

اصطلاح به کاررفته در عنوان مقاله، «حقوق مالکیت ادبی و هنری»^{۱۰} است و ما از این عبارت مجموعه موازین و مقررات حاکم بر مؤلفین و صاحبان حقوق مجاور را صرف نظر از مبانی نظری آن اراده کرده‌ایم. حقوق مالکیت ادبی و هنری به عنوان شاخه‌ای از حقوق مالکیت فکری، نظامی تشکیل‌شده از مجموعه مقرراتی است که با شناسایی خلاقیت‌های اصیل و تلاش‌های انگیزه بخش در حوزه علم، ادب و هنر، برای آفرینندگان این آثار و همچنین تلاشگران این حوزه حقوق مادی و معنوی در نظر گرفته، از این حقوق به گونه‌ای مناسب و مؤثر حمایت می‌کند. به طور معمول در حقوق بین‌الملل مالکیت فکری و حقوق ملی بسیاری از کشورها، حقوق مالکیت ادبی و هنری از دو شاخه حقوق مؤلف و حقوق مجاور (حقوق مرتبط) تشکیل شده است. حقوق مؤلف دربردارنده مقررات مربوط به شناسایی آفرینش‌های ادبی و هنری و حمایت از خالقان آن است و حقوق مجاور، فعالیت‌های فردی یا گروهی مربوط به انتشار و تجاری‌سازی آثار مذکور را شناسایی و اشخاصی را که با این فعالیت‌ها موجب نشر و اشاعه این آثار می‌شوند، مورد حمایت قرار می‌دهد.

مبانی نظری و منطق حمایت از فعالان حوزه علم، هنر و ادب متفاوت می‌باشد. برخی کشورها (مثل فرانسه، آلمان و سوییس) ارج نهادن صاحبان اندیشه را برخاسته از حقوق طبیعی دانسته و شخص خلاق و اندیشمند را به دلیل داشتن و به کار بستن قوه خلاقه و تولید آثار فکری محترم می‌شمرند. در واقع حمایت از این افراد پاداشی در ازای تلاش خلاقانه و مبتکرانه آن‌ها است و مقررات به منظور حمایت از این افراد وضع می‌شود. در مقابل برخی دیگر (مثل انگلیس و ایالات متحده) اثر خلق شده را بیشتر از خالق آن مورد توجه قرار داده، در پی جلب سود و منفعت از تولید بیشتر و تجاری‌سازی آثار فکری هستند. در واقع این نگاه اصول و مقررات را به گونه‌ای وضع می‌کند که انگیزه بخش افراد خلاق برای تولید حداکثری آثار فکری باشد. رویکرد نخست شخصیت محور و رویکرد دوم منفعت محور است. (گلدستین، ۲۰۰۱ م.)

در نگاه شخص محور بین حقوق مؤلف و حقوق مجاور مرزی مشخص وجود دارد. مقررات برخاسته از این منظر به مؤلفین به عنوان خالقان اثر ادبی و هنری حقوق بیشتر اعطا کرده، شیوه‌های مؤثرتری برای حمایت در نظر می‌گیرند و اشخاصی که خود خالق اثر نیستند، ولی در نشر و اشاعه آن نقش دارند را به صورت فرعی و جانبی و در چارچوب حقوق مجاور مورد حمایت قرار می‌دهند. اصطلاحاً به این رویکرد که شخص محور بوده، بین حقوق مؤلف و حقوق مرتبط تمایز و تفاوت قائل است و بیشتر در کشورهای تابع حقوق نوشته^{۱۱} رایج است، نظام «حق مؤلف^{۱۲}» گفته می‌شود، اما رویکرد منفعت محور بین خالق اثر و اشاعه دهنده آن تمیز جدی قائل نیست و بر این اعتقاد است که همکاری و هم‌افزایی این دو قشر است که موجب افزایش خلق اثر می‌شود. بنابراین همه این اشخاص فعالان و کارگران بخش علمی و فرهنگی جامعه بوده، هر کدام به نوبه خود در

جزئی از این بخش فعال هستند. (کلومبه، ۱۳۸۵ ش.) اصطلاحاً به این رویکرد که بیشتر در کشورهای کامن‌لا جاری است، نظام «کپی‌رایت»^{۱۳} اطلاق می‌شود.

به بیانی دیگر منطق کپی‌رایت و پذیرش حمایت از آثار ادبی و هنری را می‌توان به دو دسته طبقه‌بندی نمود:

۱- مواردی که اقتصادی هستند یا در سطح وسیعی ویژگی ابزارانگاران^{۱۴} دارند، یعنی امتیاز و اعطای حقوق را به عنوان ابزار کسب نتایج اجتماعی و اقتصادی، مطلوب و مشخص می‌بینند.

۲- مواردی که ویژگی غیر اقتصادی دارند، یعنی بر مفاهیم خالق و آنچه مرتبط با او است، متمرکز بوده و کم‌تر به الزامات اقتصادی و اجتماعی وسیع توجه می‌شود. (ریکتسون و همکاران، ۲۰۰۱ م.)

اصل منطقی اول اغلب نظریه‌انگیزه^{۱۵} نامیده می‌شود. بر اساس این نظریه، کپی‌رایت فعالیت‌های خالق اثر را تشویق نموده، با انجام این کار، مزایای اقتصادی و فرهنگی را نه تنها با خالقان آن اثر، بلکه با عموم جامعه هم تقسیم می‌کند. (موریسورا، ۱۹۹۸ م.) کپی‌رایت با توجه به این نظریه یک ابزار برای تسهیل انتشار اطلاعات به عموم مردم است. منطق این نظریه اجتماعی محور است.^{۱۶}

اصل منطقی دوم معمولاً نظریه حقوق طبیعی^{۱۷} نامیده می‌شود. بحث مالکیت ابتدا به وسیله جان لاک در قالب نظریه حقوق طبیعی برجسته شد. (لومپارت، ۱۹۹۷ م.) از این روی، مباحث نظریه حقوق طبیعی به عنوان اصل منطقی برای کپی‌رایت معمولاً حول لاک متمرکز می‌شود. (فیتزجرالد، ۲۰۰۴ م.) اصل منطقی برای کپی‌رایت به وسیله نظریه حقوق طبیعی این است که خالقان می‌توانند آنچه خلق کرده‌اند را کنترل کنند. منطق این نظریه خالق‌محور است.^{۱۸}

امروزه مفهوم آنگلو ساکسونی به عنوان نظریه انگیزه و مفهوم فرانسوی به عنوان نظریه حقوق طبیعی در نظر گرفته می‌شود. (ام سی کوگ و همکاران، ۲۰۰۲ م.) نظریه انگیزه در اصل به وسیله کشورهای دارای حقوق عرفی^{۱۹} (عرف قضایی) و نظریه حقوق طبیعی بیشتر به وسیله کشورهای دارای حقوق نوشته^{۲۰} (رومی - ژرمنی) تبیین شده است.

رویکرد قانونگذار ایران در قوانین موضوعه فعلی مثل قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی سال ۱۳۵۲ بازتابی از نگاه «حق مؤلف» رایج در نظام حقوق نوشته است، لکن سوای از این پیشینه در خصوص استمرار و پابندی به رویکرد موجود، یا تغییر و حداقل تعدیل آن باید با دقت و ظرافت کارشناسانه در حوزه سیاستگذاری مالکیت فکری این موضوع را با توجه به هدف حقوق مالکیت فکری به طور عام و هدف حقوق مالکیت ادبی و هنری به طور خاص مورد بررسی قرار داد.

هدف اصلی و اجتماعی حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، تشویق به خلق آثار خلاقانه و پاداش‌دهی به خالقان آن است. عواید حاصل از حمایت به مؤلفین اجازه می‌دهند تا توان و وقت خود را صرف تولید آثار خلاقانه کنند و نیز می‌توانند به موجه نشان‌دادن سرمایه‌گذاری‌های قابل ملاحظه‌ای کمک کنند که اغلب در تولید آثار معینی مانند فیلم‌ها لازم است.

هدف دیگر حقوق مالکیت ادبی و هنری همانند سایر شاخه‌های حقوق مالکیت فکری، رعایت انصاف است، به این معنی که مؤلف خواهد توانست تا از دیگران در برابر ثمره تلاش‌های خلاقانه‌اش منفعتی به دست آورد.^{۲۱}

اجراکنندگان نیز برای اعمال خلاقانه‌شان حمایت می‌شوند. حمایت از تهیه‌کنندگان ضبط صوتی و سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی از سرمایه‌گذاری‌های لازم برای

تولید ضبط صوتی یا منابع مالی و سازمانی مورد نیاز برای عرضه عمومی رادیو و تلویزیون پاسداری می‌کند.

ب - مقررات بین‌المللی راجع به مالکیت ادبی و هنری

نخستین و مهم‌ترین مقرره بین‌المللی در خصوص حقوق مؤلف، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری مصوب ۱۸۸۶ است. نخستین و مهم‌ترین مقرره بین‌المللی در خصوص حقوق مجاور، کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تهیه‌کنندگان فنوگرام و سازمان‌های پخش مصوب ۱۹۶۱ است. کنوانسیون برن به منظور انجام وظایف اداری و تشکیلاتی خود اتحادیه‌ای را ایجاد کرده است. (مؤسسه ماکس پلانک، ۲۰۰۹ م.) به موجب ماده ۱ کنوانسیون برن اتحادیه ای برای حمایت از حقوق مؤلفین نسبت به آثار ادبی و هنری آن‌ها تشکیل شده است. ۲۲ اتحادیه ایزار بین‌المللی برای گسترش حمایت از آثار فکری و شناساندن آن‌ها به جامعه بشری است. هدفی که معاهدات دوجانبه برای نیل به آن کافی نیستند. (امپی، ۱۹۷۸ م.) تشکیل اتحادیه نتیجه همکاری در سطح بین‌المللی است. همان‌گونه که در کنفرانس دیپلماتیک سال‌های ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ که منجر به تصویب کنوانسیون برن شد، علاوه بر کشورهای اروپایی، تعدادی از کشورهای آفریقایی مثل تونس و لیبیا، کشورهای آمریکایی مثل آرژانتین، کاستاریکا، السالوادور، ایالات متحده، هائیتی، هندوراس و پاراگوئه و کشور ژاپن از آسیا حضور داشتند. (امپی، ۱۹۷۸ م.) با شکل‌گیری اتحادیه، کنوانسیون فقط یک مقرره ساده‌ای که موجد حقوق و تعهدات برای کشورهای عضو و بعضاً اشخاص خصوصی باشد، نیست، بلکه اتحادیه در نظام حقوق بین‌الملل یک نهاد حقوقی است که مشتمل بر ارکان مشخص و متعدد (مثل مجمع اتحادیه موضوع ماده ۲۲، کمیته

اجرائی موضوع ماده ۲۳، دفتر بین‌المللی موضوع ماده ۲۴ و کنفرانس اصلاح و تجدید نظر موضوع ماده ۲۷ کنوانسیون برن) بوده، برای نیل به هدف خود که حمایت از مالکیت ادبی - هنری است، اقدام می‌کند. (بیرپی، ۱۹۶۹ م.) به علاوه اتحادیه محل تعامل و ارتباط کشورهای عضو است به گونه‌ای که اگر کشوری به نسخه‌ای از کنوانسیون ملحق شود، با تمام کشورهای عضو اتحادیه حتی کشورهایی که به آن نسخه ملحق نشده‌اند، مرتبط می‌شود. (وایبو، ۲۰۰۷ م؛ امپی، ۱۹۷۸ م.) این امر نقش بسیار مؤثری در گسترش حمایت بین‌المللی از مالکیت ادبی و هنری دارد.

مقررات کنوانسیون برن به مباحثی مانند موارد تحت حمایت، حقوق اعطایی و استثناها و محدودیت‌های مجاز مربوط به این حقوق، حداقل زمان حمایت و همچنین حمایت از آثار از پیش موجود می‌پردازد. پیوست کنوانسیون برن، به کشورهای در حال توسعه اجازه می‌دهد که طبق شرایط خاصی، محدودیت‌هایی را برای حق ترجمه و حق تکثیر به وجود آورند.

در جریان مجموعه نشست‌های اروگوئه پذیرفته شد که استانداردهای کنوانسیون برن برای حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در بیشتر بخش‌ها کافی بوده‌اند. به همین دلیل موافقت شد که مبنای اتفاق و نقطه عزیمت برای موافقت‌نامه تریپس باید با توجه به مفاد نسخه‌ای از کنوانسیون برن باشد که در سال ۱۹۷۱ مورد بازبینی قرار گرفت و تحت عنوان نسخه پاریس به تصویب رسید.

موافقت‌نامه تریپس در زمینه مالکیت ادبی و هنری به شفاف‌سازی برخی از مواد کنوانسیون‌های برن و رم و همچنین اضافه کردن الزاماتی در شماری از نکات خاص اقدام کرد. بر این اساس، موافقت‌نامه شامل ساختار به اصطلاح «برن پلاس»^{۲۳} می‌باشد. (توبمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

به بیانی دیگر موافقت‌نامه تریپس به هیچ وجه جایگزین نظام بین‌المللی موجود در حمایت از مالکیت ادبی و هنری نشده است، بلکه بیشتر از طریق ارجاعات متعدد، به کنوانسیون‌های موجود یا رژیم سنتی کمک می‌کند. (مؤسسه ماکس پلانک، ۲۰۰۹ م.) تریپس کنوانسیون‌های تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری (در حوزه کپی‌رایت کنوانسیون‌های برن و رم) به وجود آمده است. در عین حال، این موافقت‌نامه قانونگذاری جدیدی را در حقوق بین‌الملل تشکیل داده و کنوانسیون‌های تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری را مورد بازنگری و به‌روزرسانی قرار داده است. (ماتوز، ۲۰۰۲ م.) این موافقت‌نامه در واقع مقررات ماهوی کنوانسیون‌های برن و رم را با ارجاع مستقیم پذیرفته است.^{۲۴} (وایبو، ۲۰۰۸ م؛ سازمان جهانی تجارت، ۲۰۱۲ م.)

به موجب بند ۱ ماده ۹ موافقت‌نامه، کشورهای عضو به اجرای مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن و ضمیمه آن در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری ملزم می‌باشند. به علاوه، در مواردی که کنوانسیون‌های پیشین حوزه مالکیت فکری ساکت^{۲۵} و یا ناکافی^{۲۶} باشند، این موافقت‌نامه تعهدات و مقررات ماهوی ایجاد و اضافه می‌نماید. عده‌ای چنین رویکرد تریپس را در ارجاع به کنوانسیون برن و در موارد لزوم تکمیل آن‌ها به رویکرد برن مضاف^{۲۷} توصیف می‌کنند. (مؤسسه ماکس پلانک، ۲۰۰۹ م؛ سازمان جهانی تجارت، ۲۰۱۲ م.)

جدای از این که تریپس صراحتاً به موادی از کنوانسیون برن ارجاع می‌دهد، بند ۲ ماده ۲ تریپس به محترم‌بودن تعهدات طرفین که ناشی از مقررات قبل از خود است، تصریح می‌کند. (ماتوز، ۲۰۰۲ م.) به موجب این ماده «هیچ چیز در قسمت‌های ۱ تا ۴ موافقت‌نامه حاضر به تعهداتی که اعضا ممکن است اکنون طبق کنوانسیون‌های پاریس، برن و روم و معاهده مالکیت فکری در مورد مدارهای یکپارچه در قبال یکدیگر داشته باشند، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.»

ملاحظه می‌شود که تریپس با تأیید مواد و مفاد ماهوی مقررات قبل از خود به ویژه کنوانسیون‌های برن و رم که مهم‌ترین مقررہ بین‌المللی در خصوص مالکیت ادبی و هنری هستند، روند حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری و به طور خاص ادبی و هنری را بر هم نزنده و مسیر آن را ناهموار یا منحرف ننموده است، بلکه با ارجاع صریح به آن‌ها و الزام کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت به رعایت بخش قابل توجهی از مقررات مذکور که از لحاظ محتوا مباحث ماهوی حمایت را تشکیل می‌دهند، نه تنها بر میزان و گستره حمایت‌های بین‌المللی مندرج در مقررات مذکور تأکید دارد، بلکه با به‌روزرسانی آن‌ها در قالب سازمان جهانی تجارت که بخش عظیمی از تجارت بین‌المللی را تحت نظارت و کنترل خود دارد، بر محدوده کمی و کیفی آن افزوده است.

نکته مهم این‌که موافقت‌نامه تریپس حداقل میزان حمایتی را قید می‌کند که اعضا بایستی برای اتباع دیگر کشورهای عضو فراهم کنند. به بیان دیگر، این مواد الزاماتی را مشخص می‌کند که این کشورها نسبت به یکدیگر دارند. با توجه به تاریخ طولانی همکاری‌های بین‌المللی در زمینه کپی‌رایت، قوانین ملی در این زمینه اغلب بسیار مشابه هم هستند. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

همان‌گونه که شورای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در آمریکا (سند DS160) عنوان می‌کند در فرآیند تصویب، مواد اساسی و ماهوی کنوانسیون برن بخشی از موافقت‌نامه تریپس گشته‌اند و به عنوان مواد قیدشده در آن موافقت‌نامه، باید به عنوان تعهدات مستقیم کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت لحاظ شوند. شورا همچنین از مواد این کنوانسیون، به عنوان منبع معتبر برای تفسیر مواد تریپس استفاده کرده است. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

رابطه موافقت‌نامه تریپس و کنوانسیون رم از جهت حقوق مرتبط متفاوت از رابطه این موافقت‌نامه با کنوانسیون برن است. تریپس تعهدی عمومی برای پایبندی به مفاد کنوانسیون رم به وجود نمی‌آورد.^{۲۸} موارد حمایت در برخی زمینه‌ها بالاتر و در برخی دیگر پایین‌تر از همین موارد در کنوانسیون رم است. علی‌رغم این تفاوت‌ها، مقررات تریپس در ماده ۱۴ در زمینه حقوق مرتبط کاملاً متأثر از کنوانسیون رم است و موافقت‌نامه در برخی موارد ارجاعات مستقیمی به مواد مطرح‌شده در آن کنوانسیون دارد. به طور مثال، بند ۳ ماده ۱ تریپس رعایت مقررات کنوانسیون رم را در زمینه ضوابط شایستگی اجراکنندگان، تهیه‌کنندگان ضبط صوتی و سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی برای حمایت از حقوق آن‌ها لازم می‌داند. بند ۶ ماده ۱۴ موافقت‌نامه تصریح می‌کند که اعضا می‌توانند شرایط، محدودیت‌ها، استثنایا و جایگزینی‌هایی را با توجه به مفاد کنوانسیون رم فراهم کنند.

علاوه بر مقررات بالا دو مقررہ بین‌المللی در حوزه مالکیت ادبی و هنری که پس از تریپس تصویب شده‌اند، عبارتند از معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری و معاهده اجراها و آوانگاشت‌های سازمان جهانی مالکیت فکری. این موارد به موافقت‌نامه تریپس ضمیمه نشده‌اند، اما متکی بر آن می‌باشند و در برخی ملاحظات، آن‌ها نسبت به تریپس حمایت بیشتری را مقرر داشته‌اند.

از منظر تاریخی، حوزه اصلی کپی‌رایت، ادبیات، هنر و دیگر فعالیت‌های فرهنگی بوده است. اخیراً کپی‌رایت برای زمینه‌های جدیدی مانند برنامه‌های کامپیوتری و پایگاه‌های داده حمایت فراهم کرده است و اهمیت اقتصادی کپی‌رایت در اقتصادهای دانش‌بنیان به طور چشمگیری افزایش یافته است. مقررات بعد از کنوانسیون‌های برن و رم این موضوعات جدید را به عنوان آثار یا فعالیت‌های مشمول حمایت

مورد اشاره و وضع حکم قرار داده‌اند و ما در بررسی سیر تکامل مقررات بین‌المللی - از کنوانسیون برن تا معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری - می‌توانیم انعکاس پیشرفت‌های تکنولوژی را در مفاد مقررات جدید و اهتمام این مقررات به سامان‌دهی این تغییرات ملاحظه نماییم.

ج - همسویی رویکرد ایران با مقررات بین‌المللی

در این قسمت از مقاله، مفاد قوانین فعلی ایران و به‌ویژه لایحه حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری با موازین انعکاس یافته در مقررات بین‌المللی مقایسه شده، همسویی رویکرد قانونگذار ایرانی با استانداردهای بین‌المللی و میزان نزدیک شدن به آنها علی‌رغم عدم الحاق مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱- موضوعات مشمول حمایت

۱-۱- آثار هنری و ادبی: بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون برن که مفاد آن توسط بند ۱ ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس و همچنین بند ۴ ماده ۱ معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری مورد تصریح و تعهد کشورهای عضو قرار گرفته است، اعضا را به حمایت از «آثار ادبی و هنری» ملزم می‌کند. این عبارت شامل «هر محصولی در زمینه‌های ادبی، علمی و هنری می‌باشد. هر آنچه که ممکن است شیوه یا قالب بیان آن این‌گونه باشد.» بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون بدون این‌که از «آثار ادبی و هنری» تعریفی ارائه دهد، فهرست غیر جامعی از چنین آثاری را دربر می‌گیرد. نمونه‌هایی از کارهایی که تحت پوشش کپی‌رایت می‌باشند، شامل کتاب‌ها، روزنامه‌ها، دیگر نوشتارها، قطعات موسیقی، فیلم‌ها، عکس‌ها، نقاشی‌ها و آثار معماری هستند.

ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نیز به طور غیر حصری^{۲۹} در ۱۲ بند «اثرهای مورد حمایت این قانون» را برمی‌شمارد. این قانون هیچ‌گونه تقسیم‌بندی از انواع آثار به عمل نیاورده و در نتیجه حمایت از آن را به نوع خاص (ادبی، هنری، تجسمی و نظایر آن) مشروط نکرده است. (زرکلام، ۱۳۸۷ ش.) با مقایسه این ماده و موارد احصاشده در بند یک ماده ۲ کنوانسیون برن می‌توان چنین استفاده کرد که قانون ایران از لحاظ موضوعات تحت شمول با کنوانسیون برن تفاوت ماهوی نداشته و در این قسمت با موادی از موافقت‌نامه تریپس و معاهده حقوق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری که کشورهای عضو را به رعایت ماده ۲ کنوانسیون برن ملزم می‌کنند، همسو است.

ماده ۲ لایحه نیز به طور تمثیلی (غیر حصری) آثار ادبی و هنری مشمول حمایت را در ۱۳ بند احصا می‌کند. صدر این ماده مقرر می‌دارد: «اثر ادبی - هنری مورد حمایت این قانون به ویژه شامل موارد زیر است.» از عبارت «به ویژه» به خوبی استنباط می‌شود که موضع نویسندگان این متن احصای غیر حصری آثار مشمول کپی‌رایت است و مصادیق شاخص آن در این ماده برشمرده شده است. علاوه بر این موارد که به طور سنتی در حوزه مالکیت ادبی و هنری به عنوان اثر مورد حمایت شناخته می‌شوند، مقررات جدید بین‌المللی یعنی موافقت‌نامه تریپس و معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری برنامه‌های رایانه‌ای^{۳۰} و پایگاه‌های داده^{۳۱} را نیز مورد حمایت دانسته‌اند. این دو مورد در کنوانسیون برن و قانون ایران مورد اشاره قرار نگرفته است. (زرکلام، ۱۳۸۷ ش.)

ماده ۱۰ موافقت‌نامه تریپس و همچنین مواد ۴ و ۵ معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری به لزوم حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های داده اشاره کرده‌اند. بند ۱ ماده ۱۰ موافقت‌نامه و ماده ۴ معاهده مقرر می‌کنند که

«برنامه‌های کامپیوتری، چه در کد منبع و چه در کد موضوعی، باید به عنوان یک اثر ادبی در چارچوب کنوانسیون برن ۱۹۷۱ حمایت شوند.» این مقررات تصدیق می‌کنند که برنامه‌های کامپیوتری باید اثر ادبی شناخته شده، مورد حمایت قرار گیرند و این که مفاد کنوانسیون برن که بر آثار ادبی اعمال می‌شوند، باید برای آن‌ها هم به کار روند. بدین معنی که تنها آن محدودیت‌هایی که بر آثار ادبی قابل اعمال هستند، می‌توانند بر برنامه‌های کامپیوتری هم اعمال شوند. این همچنین تصدیق می‌کند که مدت معمول حمایت برای آثار ادبی برای برنامه‌های کامپیوتری به کار برده می‌شود، که بدین معنی است که دوره‌های کوتاه‌تری که ممکن است بر آثار عکاسی و هنر کاربردی اعمال شوند نمی‌توانند برای این موضوع استفاده شوند. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

به علاوه بند ۱ ماده ۱۰ تصدیق می‌کند که قالبی که در آن برنامه‌های کامپیوتری وجود دارد، یعنی چه در کد منبع یا کد موضوعی، حمایت را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. این بدان معنا است که یک برنامه حمایت می‌شود، حال مستقل از این که آیا در قالب طراحی شده برای یک شخص برای فهمیدن و کار روی آن می‌باشد («کد منبع») یا در قالب ماشین‌خوان آن می‌باشد، به عنوان مثال همانطور که آن بر روی هارد دیسک کامپیوتری ذخیره و در واقع توسط کامپیوتر اجرا می‌شود («کد موضوعی» یا «کد ماشین»). (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

در ماده ۲ قانون ایران، به برنامه رایانه‌ای اشاره نشده است، ولی بند ۱۳ ماده ۲ لایحه، آن را به عنوان یک اثر ادبی - هنری مشمول حمایت برشمرده است. بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون برن که مورد تأیید و ارجاع تریپس و معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری است، مقرر می‌کند که مجموعه آثار ادبی و هنری مانند دایره‌المعارف‌ها و گلچین‌های ادبی، به واسطه گزینش و چیدمان محتوای آن‌ها که

ابداعات فکری را ترکیب می‌کنند، بدون ایراد لطمه به حقوق پدیدآورندگان آثار اصلی، باید حمایت شوند.

همچنین بند ۲ ماده ۱۰ موافقت‌نامه و ماده ۵ معاهده کپی‌رایت بیان می‌کنند که پایگاه‌های داده و دیگر مجموعه‌های داده یا دیگر اطلاعات بایستی به خودی خود به وسیله کپی‌رایت حمایت شوند، حتی آنجا که پایگاه‌های داده بخش‌هایی از داده‌ها را دربر می‌گیرند که به وسیله کپی‌رایت حمایت نمی‌شوند. پایگاه‌های داده در صورتی واجد شرایط حمایت کپی‌رایت هستند که به واسطه‌گزینه‌ها و آرایش محتوایشان، ابداعاتی فکری تشکیل دهند. این ماده همچنین تصدیق می‌کند که پایگاه‌های داده باید بدون در نظر گرفتن این‌که در چه قالبی قرار دارند، حمایت شوند. علاوه بر این، این ماده مشخص می‌کند که حمایت از پایگاه‌های داده نباید به خود داده یا اطلاعات گسترش یابد. به علاوه حمایت باید بدون هیچ‌گونه غرض‌ورزی نسبت به هر کپی‌رایت موجود در خود اطلاعات یا داده صورت گیرد و به حقوق مؤلف نسبت به داده یا عناصری که جمع‌آوری شده است، لطمه‌ای وارد ننماید. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

در حقوق ایران حمایت از پایگاه‌های داده مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است، اما طبق ماده ۳ لایحه «پایگاه داده‌ای که از حیث چیدمان و گزینه‌ها دارای اصالت است، با رعایت حقوق پدیدآورنده یا پدیدآورندگان اثر اصلی، مورد حمایت این قانون خواهد بود.» در خصوص حمایت از برنامه رایانه‌ای و پایگاه داده رویکرد قانونگذار ایران در لایحه با مقررات جدید بین‌المللی حوزه کپی‌رایت همسویی دارد.

۲-۱- آثار مشتق شده (اشتقاقی)^{۳۲}: با توجه به بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون

برن که مورد تصریح موافقت‌نامه تریپس و معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری

است، اعضا به حمایت از آثار اشتقاقی مانند آهنگ تنظیم‌شده برای یک ارکستر و فیلم اقتباسی از یک نمایش‌نامه متعهد می‌باشند. حمایت از اثر مشتق‌شده جدای از حمایت از اثر اصلی است. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

در حقوق ایران با توجه به بندهای ۶ و ۷ ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار با آثار اقتباسی آشنا است (زرکلام، ۱۳۸۷ ش.) و ماده ۳ لایحه هم به صراحت به حمایت از اثر اشتقاقی اشاره دارد.

۳-۱- آثار خاص: بند ۴ ماده ۲ کنوانسیون برن کشورهای عضو را در حمایت از متون رسمی قانونی، اداری یا قضایی و ترجمه رسمی آن‌ها مخیر گذاشته است. این موضوع در قانون موضوعه ایران پیش‌بینی نشده است، لکن ماده ۵ لایحه در خصوص عدم حمایت از آن‌ها تصریح دارد.

به علاوه بند ۲ ماده ۹ تریپس و ماده ۲ معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری با تفکیک صریح ایده از بیان مقرر می‌کند که حمایت کپی‌رایت باید به تعبیر گسترش یابد و نه به ایده‌ها، رویه‌ها، روش‌های کاربردی یا مفاهیم محض ریاضی. به عبارت دیگر، حمایت کپی‌رایت هیچ‌گونه از اطلاعات یا ایده‌های موجود در اثر را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. آن‌تنها از روش اصیلی حمایت می‌کند که به وسیله آن چنین اطلاعات یا ایده‌هایی بیان شده‌اند. در نتیجه همه در استفاده از اطلاعات موجود در یک اثر، از جمله برای هدف خلق آثار جدید، آزاد هستند. به عنوان مثال، ایده موجود در ورای رمانی پلیسی به خودی خود مورد حمایت نیست، اما تکثیر بی‌اجازه از همان رمان، به عبارت دیگر تعبیری از ایده آن رمان، ممنوع شده است.

این اصل که معمولاً به «انگاره دوگانگی ایده و بیان»^{۳۳} ارجاع داده می‌شود، همیشه در اصول کپی‌رایت حاضر بوده است، اگرچه صریحاً در مواد قیدشده کنوانسیون برن قرار نگرفته است. از این رو بند ۲ ماده ۹ تریپس اولین تصدیق صریح این اصل در مقررات بین‌المللی مالکیت فکری است. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.) قابل مناقشه این‌که در حقوق ایران این مهم با توجه به شیوه نگارش ماده ۱ قانون سال ۱۳۴۸ قابل برداشت است. چه این ماده به عبارت «پدیدآمدن» اشاره داشته، آنچه را از راه دانش یا هنر صرف نظر از شیوه و طریق بیان یا ظهور و بروز آن پدید می‌آید، «اثر» می‌گوید. در بیان این ماده الزاماً اثر به چیزی اطلاق می‌شود که حتماً بروز و ظهور یافته باشد و در نتیجه آنچه در ذهن است، نمی‌تواند اثر تلقی‌شده و مورد حمایت باشد، هرچند برخی از نویسندگان با کمک‌گرفتن از این ماده بر این عقیده‌اند که قانون ما دوگانگی ایده و بیان را پذیرفته و به اصل عدم حمایت از ایده معتقد است، (زرکلام، ۱۳۸۷ ش.) ولی به نظر ما نمی‌توان از این ماده اصل عدم حمایت از ایده و تفکیک ایده از بیان را استنباط کرد و آنچه می‌توان از این ماده به دست آورد، فقط این است که قانونگذار آنچه را در ذهن است، اثر ندانسته و تبعاً مورد حمایت قرار نمی‌دهد. پرواضح است که بین ایده و آنچه در ذهن است و هنوز نمود و تجسد خارجی پیدا نکرده، یکسانی و مترادف مفهومی و مصداقی وجود ندارد. چه بسا ایده‌ای که از ذهن خارج شده و در قالب نوشته قرار گیرد. آنچه در اینجا مورد حمایت است، قالب نوشته و تبحر و مهارت نویسنده در چینش واژگان است نه مفهومی (ایده‌ای) که از آن نوشته استنباط می‌شود، اما این تفکیک و عدم حمایت از ایده، رویه‌ها، تئوری‌ها و روش‌های ریاضی در بند ۲ ماده ۵ لایحه به صراحت بیان شده است و این بیانگر مورد دیگری از همسویی قانونگذار ایران با مقررات بین‌المللی مالکیت ادبی و هنری است.^{۳۴}

بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون برن به عدم حمایت از اخبار روز و وقایعی که صرفاً جنبه اطلاع رسانی داشته باشند اشاره دارد، مثلاً نشریه یک کلوپ ورزشی که مطلبی خبری در رابطه با نتایج یک مسابقه تنیسی که به تازگی برگزار شده، دارد. اگر مطلب صرفاً حاوی نتایج بدون جنبه تحلیلی و اصیل باشد، بازگویی واقعیات نمی‌تواند به عنوان اثری اصیل در نظر گرفته شود و در نتیجه مورد حمایت نخواهد بود، اما اگر نقل مطلب بتواند به عنوان ابداع اصیل فکری در نظر گرفته شود، به عنوان مثال اگر نتایج مسابقه را تحلیل کند یا حرکات جذاب و چشمگیر بازی‌ها را توصیف کند، آنگاه اثر مشمول حمایت می‌باشد و کپی‌کردن آن اجازه از نویسنده را لازم خواهد داشت. قانون ایران نسبت به این موضوع ساکت است، اما بند ۱ ماده ۵ لایحه «اخبار روز و رویدادهای جاری» را از شمول حمایت خارج کرده است.

۲- حقوق اعطایی

حقوق مالکیت ادبی و هنری دو دسته حق به پدیدآوردندگان یا صاحبان اثر ادبی و هنری اعطا می‌کند.

اول، حقوق معنوی^{۳۵} (اخلاقی) است که به مؤلفین اجازه می‌دهد تا ادعای پدیدآوردگی و حفاظت از تمامیت اثر خود را داشته باشند. به موجب این حق، اثر به مؤلف منتسب شده، او می‌تواند از تحریف، تغییر و تقلید از اثر خود جلوگیری کند.

حق معنوی در ماده ۶ مکرر کنوانسیون مورد تصریح واقع شده است، ولی به موجب ذیل بند ۱ ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس مفاد این ماده برای کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت الزام‌آور نیست، یعنی کشورهای ملحق‌شده به تریپس برخلاف لزوم پایبندی به مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن، می‌توانند ماده ۶ مکرر را

نپذیرفته، برای مؤلف حق معنوی قائل نشوند. به بیانی دیگر حقوق معنوی به دلیل این‌که بین مؤلف و اثرش پیوند شخصی ایجاد کرده و تقویت می‌کند و از این روی تجاری نمی‌باشند، به صراحت در چارچوب سازمان جهانی تجارت کنار گذاشته شده است. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

نکته مهم این‌که با این حال این موضوع اثری بر وظایف آن اعضای که همچنان عضو کنوانسیون برن هستند، در خصوص رعایت و حفظ حقوق معنوی ندارد. این موضوع در بند ۲ ماده ۲ تریپس که دارای یک شرط تضمینی است، تصریح شده است که بر اساس مفاد موافقت‌نامه تریپس نمی‌توان زوال تعهدات موجود کشورهای عضو را که ممکن است اعضا نسبت به یکدیگر بر طبق کنوانسیون برن داشته باشند، نتیجه گرفت. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.) قانون مصوب ۱۳۴۸ ایران در ماده ۴ حق معنوی را برای پدیدآورنده در نظر گرفته و لایحه نیز در ماده ۸ با تفصیل، بیان جزئیات و دقت بیشتر این حق را مورد تصریح خود قرار داده است.

دوم، حقوق مادی^{۳۶} (اقتصادی) است که به مؤلفین و صاحبان آثار حق بهره‌برداری تجاری و اقتصادی و به کارگیری محصولاتشان را می‌دهد. حق مادی مؤلف دارای جنبه‌ها و تجلی‌های متعدد بوده، هر کدام از آن‌ها مستقلاً قابل اعمال و اجرا است و مقررات بین‌المللی و همچنین قوانین ملی بدان اشاره دارند که ذیلماً مورد بررسی قرار گرفته و همسویی حقوق ایران با نظام بین‌المللی نشان داده می‌شود.

۱-۲- حق تکثیر^{۳۷}: این حق بدین معنا است که دارنده حق (مالک اثر ادبی و هنری که ممکن است مؤلف باشد یا شخص دیگری) می‌تواند اثر خود را در یک یا چند نسخه کپی و تکثیر نماید و در این امر شکل و قالب تکثیر اهمیت ندارد، مثلاً ممکن است از اثر کاغذی عکس گرفته شود یا از فایل الکترونیک کپی

الکترونیک گرفته شده یا بر روی کاغذ چاپ شود. هر کدام از این اقدامات صرف نظر از تعداد نسخه تهیه شده، تکثیر بوده و انجام آن از حقوق انحصاری مالک اثر ادبی و هنری می‌باشد. این حق در بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون برن پیش‌بینی شده و با توجه به ارجاع به این ماده در بند ۱ ماده ۹ تریپس و ماده ۴ معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری، این حق توسط این دو مقرر هم مورد تأیید واقع شده است.

در حقوق ایران حق تکثیر در ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مورد تصریح قرار گرفته است، اما در ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان که در مقام بیان حق مادی مؤلف است، به این حق صراحتاً اشاره نشده است. نحوه نگارش ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز چنین است. نقص ماده ۳ قانون سال ۱۳۴۸ و سهل‌انگاری قانونگذار، در ماده ۵ همان قانون برطرف شده است و ماده ۵ که در مقام بیان انتقال‌پذیری حقوق مادی است، در بند ۵ خود به حق تکثیر اشاره می‌کند. آن‌گونه که از کلام برخی از برمی‌آید ظاهراً حق تکثیر را معادل حق نشر^{۳۸} دانسته‌اند، (زرکلام، ۱۳۸۷ ش.) پذیرش این مطلب به نظر دشوار می‌رسد. جدای از تفاوت معنایی بین نشر و تکثیر و این‌که این دو هرکدام حق مستقلی برای پدیدآورنده هستند، اقدام قانونگذار در عطف این دو حق در بند ۵ ماده ۵ قانون مذکور دلالتی روشن بر دوتایی این دو حق دارد. در بند ۱ ماده ۷ لایحه این حق به عنوان یکی از حقوق مادی مؤلف مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲- حق اجاره^{۳۹}: این حق در کنوانسیون برن پیش‌بینی نشده و قانون ایران نیز بدان اشاره‌ای ندارد، اما ماده ۱۱ موافقت‌نامه تریپس و ماده ۷ معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری تصریح می‌کنند که مؤلفان حداقل در

مورد برنامه‌های رایانه‌ای و محصولات سینمایی (یا فیلم‌ها) باید حق اجازه یا منع بهره‌برداری تجاری از اصل یا کپی آثار خود را به عموم دارا باشند. معاهده اجراها و فونوگرام‌های سازمان جهانی مالکیت فکری نیز در ماده ۹ این حق را برای اجرا کنندگان و در ماده ۱۳ برای تولیدکنندگان فونوگرام پیش‌بینی کرده است. در حقوق ایران این حق در بند ۵ ماده ۷ لایحه برای مؤلفین، بند ۵ ماده ۵۸ برای اجراکنندگان و بند ۳ ماده ۶۲ برای آوانگارها پیش‌بینی شده است. همسویی قانونگذار ایران با معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری در این خصوص ستودنی است.

۳-۲- حق توزیع^{۴۰}: بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون برن این حق را نه برای تمام آثار ادبی و هنری، بلکه برای آثاری که به صورت سینمایی تکثیر یا اقتباس شده‌اند، در نظر گرفته است. (امپی، ۱۹۷۸ م.) موافقت‌نامه تریپس نیز بیش از آنچه در برن مقرر شده، حقی برای مؤلفین قائل نشده است، اما معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری به صراحت این حق را در ماده ۶ وضع کرده و مقرر می‌دارد: «پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری از این حق انحصاری برخوردارند که در دسترس عموم قراردادان اصل یا نسخه‌های اثر خود را از طریق بیع یا هر عقد مملک دیگری تجویز یا منع نمایند.» در مواد ۸ و ۱۲ معاهده اجراها و فونوگرام‌های سازمان جهانی مالکیت فکری نیز این حق با همین تعریف و ماهیت برای اجراکنندگان نسبت به اجراهایشان و آوانگارها نسبت به فونوگرام‌هایشان پیش‌بینی شده است. در حقوق ایران این حق با تعریفی که در مقررات بین‌المللی مذکور آمده پیش‌بینی نشده است، لکن در ماده ۳ قانون سال ۱۳۴۸ و ماده ۱ قانون سال ۱۳۵۲ «حق پخش» به عنوان یکی از حقوق مادی مؤلف بیان شده است. لایحه که جامع حقوق مؤلفین و صاحبان حقوق مرتبط است، در بند ۳ ماده ۷، بند ۴ ماده ۵۸ و

بند ۲ ماده ۶۲ این حق را به ترتیب برای مؤلف، اجراکننده و آوانگار پیش‌بینی کرده است. قابل ذکر این‌که در بند ۲۵ ماده ۱ لایحه، حق توزیع معادل آنچه در معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری تعریف شده، معنا گردیده و در بند ۷ ماده ۷، حق عرضه به عنوان یکی دیگر از اقسام حقوق مادی مؤلف مورد تصریح واقع شده است. این بدان معنا است که حق عرضه با حق توزیع متفاوت بوده و نباید آن‌ها را مرادف دانست.

۴-۲- حقوق اجرای عمومی^{۴۱}، پخش برنامه‌های رادیویی^{۴۲} و مخابره

برای عموم^{۴۳}: مؤلفان از حق انحصاری اجرای عمومی آثار برخوردار هستند (ماده ۱۱ کنوانسیون برن). برای مثال بر اساس این حق، مؤلف یک نمایش می‌تواند اجرای نمایش خود را در تئاتری اجازه دهد یا منع کند یا آهنگ‌سازان می‌توانند اجرای زنده موسیقی‌شان را در رستوران‌ها و یا اجرای ضبط‌شده را در دیسکوتک‌ها یا فروشگاه‌های خرده‌فروشی اجازه دهند. این حق تنها اجراهای عمومی را شامل شده و برای اجرای خصوصی نیازی به اجازه گرفتن نمی‌باشد.

حقوق انحصاری همچنین حق پخش آثار برای عموم از طریق دیگر وسایل بی‌سیم^{۴۴} و همچنین حق ارتباط عمومی با سیم (مثلاً ارتباط کابلی) یا پخش مجدد^{۴۵} آثار پخش شده و همچنین حق انتقال به عموم با بلندگو و دیگر روش‌های مشابه پخش کردن را پوشش می‌دهد. (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م.)

در حقوق ایران مواد ۳ و ۵ قانون سال ۱۳۴۸ به وجود این حقوق برای مؤلف تصریح دارند و ماده ۷ لایحه نیز به وضوح این حقوق را به عنوان مصادیقی از حقوق مادی احصا کرده است.

۵-۲- حقوق ترجمه^{۴۶} و اقتباس^{۴۷}: طبق ماده ۸ کنوانسیون برن مؤلف حق

انحصاری ترجمه آثار خود را دارد. همچنین به موجب ماده ۱۲ این کنوانسیون

اقتباس مثل اعمال تغییرات، تنظیمات و دگرگونی اثر همانند تبدیل یک رمان به فیلمنامه از حقوق انحصاری مؤلف می‌باشد. قابل ذکر این که حقی که نسبت به ترجمه و اثر اقتباسی به وجود می‌آید، از حق مؤلف اثر اصلی جدا و مستقل می‌باشد. این دو ماده از کنوانسیون برن مورد ارجاع موافقت‌نامه تریپس و معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری قرار دارد. در حقوق ایران ماده ۵ قانون سال ۴۸ و همچنین بند ۹ ماده ۷ لایحه این حق را برای مؤلف به رسمیت شناخته است. جالب توجه این که در لایحه ترجمه نوعی اقتباس از اثر تلقی شده است و این در صورتی معنادار است که اقتباس در معنای عام آن لحاظ شود.

۳- محدودیت‌ها^{۴۸} و استثنایها^{۴۹}

بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون برن به قانونگذاران کشورهای عضو این اجازه را می‌دهد که بر حق تکثیر که در بند ۱ همین ماده از حقوق انحصاری مؤلف دانسته شده است، استثنا وارد کنند. طبق این بند «برای قانونگذاران کشورهای عضو اتحادیه اختیار اجازه تکثیر این آثار در موارد خاص محفوظ است، مشروط بر این که چنین تکثیری به بهره‌برداری عادی از اثر لطمه وارد نکرده، به منافع قانونی پدیدآورنده زیان غیر موجه وارد نسازد.» ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریپس نیز ضمن لازم‌الاجرا دانستن این ماده از کنوانسیون برن، دارای عبارتی مشابه می‌باشد، با این تفاوت که در کنوانسیون برن این استثنا بر حق تکثیر وارد شده، ولی نص ماده ۱۳ تریپس کشورهای عضو را بر ایراد استثنا بر حقوق انحصاری ملزم می‌کند. شرایط کنوانسیون برن که با موافقت‌نامه تریپس ترکیب شده‌اند، به اعضا اجازه می‌دهند که محدودیت‌ها و استثنایهایی برای حق انحصاری مؤلفان در مقابل برخی از بهره‌برداری‌ها قائل شوند. محدودیت‌هایی که اعضا ممکن است پیرو مفاد کنوانسیون برن که در تریپس نیز انعکاس یافته، وضع کنند، دو دسته هستند:

- استفاده رایگان^{۵۰} (که استفاده از آثار مورد حمایت بدون التزام به کسب اجازه و پرداخت هزینه می‌باشد).

- مجوزهای غیر ارادی^{۵۱} (اجازه استفاده از آثار مورد حمایت بدون کسب اجازه اما با پرداخت اجباری هزینه منصفانه^{۵۲}).

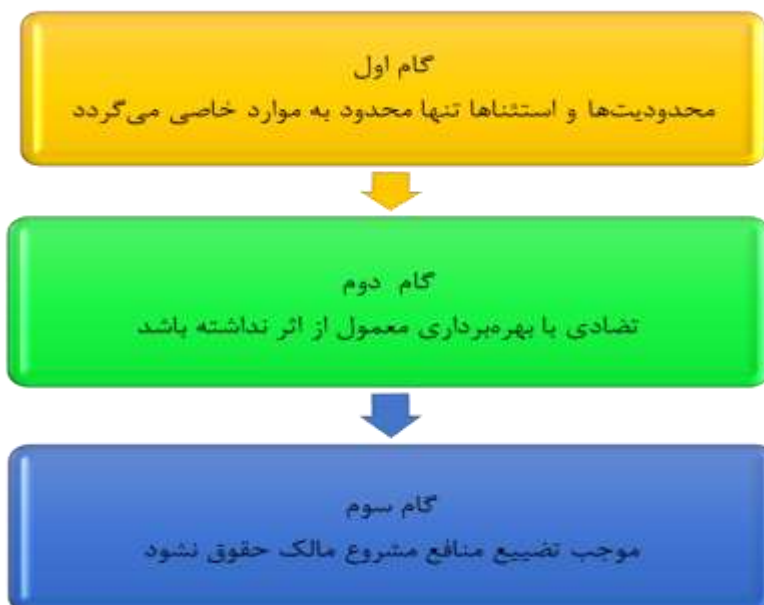
استفاده رایگان از آثار مشمول کپی‌رایت برای برخی از اهداف مشخص منوط به شرایط خاص و مجاز می‌باشد. نمونه‌هایی از این کاربردها عبارتند از نقل قول‌ها، تصاویر برای اهداف آموزشی و گزارش رویدادهای جاری (ماده ۱۰ و ۱۰ مکرر از کنوانسیون برن). (تابمن و همکاران، ۲۰۱۲ م).

مقررات برن اجازه استفاده از مجوزهای غیر داوطلبانه در شرایط خاصی می‌دهند. این مجوزها توسط مقامات و نه صاحب حق اعطا می‌شوند. این مجوزها می‌توانند برای پخش عمومی استفاده شوند (ماده ۱۱ مکرر از کنوانسیون برن) که این موضوع در مورد ضبط آثار موسیقی هم، البته در صورتی که دارنده حقوق قبلاً برای ضبط دیگری اجازه داده باشد، صدق می‌کند (ماده ۱۳ کنوانسیون برن). پیوست کنوانسیون برن به کشورهای در حال توسعه اجازه می‌دهد، تحت شرایط خاصی، از صدور مجوز الزامی به منظور استفاده از حقوق ترجمه و تکثیر برای اهداف آموزشی استفاده کنند. با توجه به وجود مفاد پیوست در موافقت‌نامه تریپس، امکان وجود این شروط نیز وجود دارد.

کنوانسیون برن بعد از بیان اصول سه گانه حاکم بر استثنا (وجود موارد خاص، عدم ایراد لطمه به بهره‌برداری متعارف از اثر و عدم ایراد زیان غیر موجه به منافع قانونی پدیدآورنده) در مواد ۱۰ و ۱۰ مکرر مصادیقی مثل استفاده آموزشی و نقل قول را به عنوان موارد مجازبودن استثنا بیان می‌کند.

ماده ۱۳ تریپس تحت عنوان «محدودیت‌ها و استثناءها»، شرطی برای نظارت بر محدودیت‌ها و استثناءها است. این مهم تحت فرآیندی به نام «آزمون ۳ مرحله‌ای»^{۵۳} انجام می‌گیرد. جواز محدودیت‌ها و استثناءها تنها در صورت رعایت این ۳ شرط صادر می‌گردد: محدودیت‌ها و استثناءها تنها محدود به موارد خاصی می‌گردد؛ تضادی با بهره‌برداری معمول از اثر نداشته باشد و موجب تضییع منافع مشروع مالک حقوق نشود. لحن مورد استفاده در ماده ۱۳ تریپس اصولاً نشأت گرفته شده از بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون برن است، گرچه استثنا در کنوانسیون برن فقط در مورد حق تکثیر بیان شده است.

به علاوه در ماده ۱۰ معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری نیز به این سه مرحله اشاره شده و ماده ۱۶ معاهده اجراها و فونوگرام‌ها نیز در بیان شرایط و اصول حاکم بر استثنای حقوق مادی اجراکنندگان و تولیدکنندگان فونوگرام‌ها، به حقوق مؤلف ارجاع داده، رعایت اصول حاکم بر استثنای وارد بر حقوق مؤلف را که در واقع همان آزمون سه گام است، ضروری دانسته است.



در حقوق ایران موارد استثنا به طور مصداقی و بدون توجه به شرایط کلی احصا گردیده است و به موجب مواد ۷، ۸ و ۱۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نقل قول از آثار مشمول حمایت با وجود شرایطی مجاز می‌باشد. همچنین تکثیر اثر به منظور استفاده در کتابخانه‌های عمومی و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به منظور استفاده شخصی ممکن خواهد بود. مسلماً از آنجایی که استثنا، محدودکننده حق انحصاری است، باید محدود به موارد منصوص بود و در صورت تردید در وجود یا فقدان استثنا باید به عدم آن قائل شد. بنابراین به موجب قانون مذکور باید به مواد احصاشده در آن بسنده کرد و امکان عدول از این موارد با رعایت آزمون سه مرحله‌ای مندرج در کنوانسیون برن، موافقت‌نامه تریپس و معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری وجود ندارد، اما این مهم در لایحه مورد توجه واقع شده و شبیه آنچه در کنوانسیون برن است، تنظیم شده است که همسویی ما را با موازین بین‌المللی تقویت می‌کند. در ماده ۱۶ لایحه شرایط سه گانه آزمون سه گام بیان گردیده و تصریح شده است که بهره‌برداری از آثار مشمول این قانون فقط با وجود این شرایط ممکن خواهد بود.

پس از بیان شروط سه گانه، در مواد متعددی مصادیقی از استثناهای مجاز مورد تصریح قانونگذار واقع شده است. آنچه در این میان بیش از همه قابل توجه است، عنایت نویسندگان لایحه در ماده ۲۳ به استثنای به نفع معلولین ذهنی و جسمی است. این ماده در راستای همسویی و هماهنگی ایران در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری با مقررات مهم بین‌المللی در خصوص حمایت از معلولین از جمله کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ و معاهده مراکش در خصوص «تسهیل دسترسی نابینایان، معلولین بینایی و افراد ناتوان در خواندن متون نوشتاری (نوشته) به آثار منتشرشده» مصوب ۲۰۱۳ بسیار مؤثر است. ایران

در سال ۱۳۸۷ به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت پیوسته و در ژوئن ۲۰۱۴ (تیرماه ۱۳۹۳) معاهده مراکش را امضا کرده است.^{۵۴}

۴- مدت زمان حمایت

مطابق بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون برن که مورد ارجاع تریپس و معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری است، مدت حمایت از حقوق مادی پدیدآورنده تا زمان مرگ وی و پنجاه سال بعد از آن، یا به عبارتی «پنجاه سال بعد از مرگ پدیدآورنده» است.

به موجب بند ۴ همین ماده برای دو دسته از آثار، یعنی آثار عکاسی^{۵۵} و آثار هنری کاربردی^{۵۶}، حداقل مدت حمایت کوتاه‌تر است و به ۲۵ سال بعد از خلق اثر محدود می‌شود، البته به موجب ماده ۹ معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری کشورهای عضو معاهده بر عدم اجرای مفاد بند ۴ ماده ۷ کنوانسیون برن نسبت به آثار عکاسی توافق می‌کنند.^{۵۷} بنابراین با توجه به لازم‌الاجرا بودن مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن به موجب بند ۴ ماده ۱ معاهده از یکسو و حکم مندرج در ماده ۹ آن از سوی دیگر، مدت حمایت از آثار عکاسی از شمول بند ۴ ماده ۷ کنوانسیون خارج و در قلمرو بند ۱ ماده ۷ قرار گرفته و مدت حمایت از آن همانند سایر آثار ادبی و هنری حداقل ۵۰ سال پس از فوت پدیدآورنده (عکاس) می‌باشد. ماده ۱۲ موافقت‌نامه تریپس در خصوص مدت حمایت از حقوق مادی مؤلف مقرر می‌دارد که هرگاه طول مدت حمایت از اثر، غیر از آثار عکاسی و آثار هنری کاربردی، بر مبنایی غیر از طول زندگی شخص حقیقی محاسبه شود، این مدت زمان هیچگاه کم‌تر از ۵۰ سال از پایان سال انتشار مجاز اثر یا در صورت عدم انتشار مجاز در طول ۵۰ سال بعد از ساخت اثر، کم‌تر از ۵۰ سال از پایان سال تهیه اثر نخواهد بود.

مشاهده می‌شود که مبنای محاسبه مدت حمایت در تریپس با آنچه در کنوانسیون برن آمده، متفاوت است، ولی ناقض مفاد این کنوانسیون نیست. چه ماده ۷ کنوانسیون برن که مدت حمایت از حقوق مادی را مقرر داشته است، توسط ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس مورد ارجاع و تأیید قرار گرفته و کشورهای عضو به رعایت آن ملزم شده‌اند و ماده ۱۲ تریپس مبنایی را بدل از مبنای پذیرفته‌شده در کنوانسیون مطرح کرده است و تصریح داشته که «در مواردی که مدت حمایت بر مبنایی غیر از طول زمان حیات شخص حقیقی محاسبه می‌شود» مبنای وضع‌شده تریپس منطبق اعتبار است. بنابراین این ماده نافی حکم مندرج در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون برن در خصوص مدت حمایت از حقوق مادی پدیدآورنده نیست.

محاسبه بر اساس این مبنا در صورتی می‌تواند موضوعیت پیدا کند که برای مثال کپی‌رایت توسط شخص حقوقی ثبت شده باشد. زمانی که کپی‌رایت تحت قوانین محلی توسط یک شرکت نرم‌افزاری برای یک نرم‌افزار تولیدی آن شرکت ثبت شده باشد، حقوق مربوط به آن اثر نباید پیش از گذشت ۵۰ سال از انتهای سالی پایان یابد که اثر در آن سال منتشر شده است.

حقوق موضوعه ایران در خصوص مدت حمایت از حقوق مادی، بین آثار تفاوتی قائل نشده و طبق ماده ۱۳ قانون سال ۱۳۴۸ حقوق مادی پدیدآورنده پس از ۵۰ سال از تاریخ فوت او منقضی می‌شود. ماده ۲۷ لایحه کاملاً هماهنگ با کنوانسیون برن تنظیم شده و با تفکیک آثار عکاسی و هنرهای کاربردی از سایر آثار ادبی و هنری، مقرر کرده است که «مدت حمایت از حقوق مادی اثر از زمان خلق آن تا پنجاه سال پس از وفات پدیدآورنده آن است.» تبصره این ماده اضافه می‌کند که «مدت حمایت از آثار عکاسی و هنرهای کاربردی حداقل بیست و پنج سال از زمان خلق اثر می‌باشد.» وجود واژه «حداقل» در تبصره این ماده قابل

تأمل است. در مقررات بین‌المللی از عبارت «حداقل» استفاده می‌شود، چون سند بین‌المللی مستقیماً در مقام وضع حکم نیست و در واقع به منظور هماهنگی بین کشورهای عضو و ایجاد کمینه حمایت‌ها و استانداردها، حداقلی را تعیین کرده تا کشورها نتوانند از آنچه در سند بین‌المللی آمده، کم‌تر مقرر نمایند. بدین‌وسیله جامعه جهانی می‌تواند به غرض خود در وضع مقرر بین‌المللی که متحدالشکل کردن و یا هماهنگ کردن مقررات ملی کشورها است، دست یابد، اما وجود این واژه در قانون ملی مسلماً نمی‌تواند چنین کارکردی داشته باشد. بنابراین این نحوه نگارش ناشی از سهو نویسندگان است و این واژه باید حذف گردد. مؤید این که مدت حمایت از حقوق اشخاص حکمی امری است که قانونگذار باید نسبت به آن جزماً اظهار موضع کرده و میزان و کمیت آن را به اراده اشخاص واگذار ننماید، در حالی که وجود عبارت «حداقل» مفید امکان توافق بر بیش از آن بوده است که از یکسو با منطق حقوقی سازگار نیست و از سویی دیگر با حقوق جامعه در دسترسی معقول به آثار ادبی و هنری و به طور کلی آثار فکری در تضاد است. در صورت تمایل کشور به الحاق به معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری، این مدت بیست و پنج سال باید به پنجاه سال افزایش یابد.

در خصوص دارندگان حقوق مجاور، ماده ۱۴ کنوانسیون رم مدت زمان حمایت را حداقل بیست سال مقرر کرده است. این مدت در ماده ۱۷ معاهده اجراها و فونوگرام‌های سازمان جهانی مالکیت فکری برای اجراکنندگان و آوانگاران به ۵۰ سال افزایش یافته است. بنابراین مدت حمایت از حقوق سازمان‌های پخش همان بیست سال مندرج در کنوانسیون رم است. به موجب بند ۵ ماده ۱۴ موافقت‌نامه تریپس از حقوق اجراکنندگان و تهیه‌کنندگان فونوگرام حداقل به مدت پنجاه سال از پایان سالی که در آن اجرا ضبط شده و یا آن اجرا صورت گرفته است،

حمایت می‌شود و مدت زمان حمایتی که به سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی اعطا شده، حداقل بیست سال از پایان سالی است که در آن سال پخش صورت گرفته است. مشاهده می‌شود که حکم مندرج در بند ۵ ماده ۱۴ تریپس با حکمی که از جمع ماده ۱۴ کنوانسیون رم و ماده ۱۷ معاهده اجراها و فونوگرام‌های سازمان جهانی مالکیت فکری به دست می‌آید، یکسان است.

قوانین فعلی ایران نسبت به حقوق مجاور موضعی نداشته و تبعاً در خصوص مدت حمایت فاقد حکم است، لکن لایحه به وضوح به این موضوع پرداخته و با اختصاص سه ماده، مدت حمایت از حقوق مادی هر کدام از صاحبان حقوق مرتبط را به طور جداگانه مشخص کرده است. به موجب ماده ۶۰ لایحه «حقوق مادی اجراکننده تا پایان پنجاهمین سال پس از سالی که اجرا در آن سال تثبیت شده یا در صورتی که نسخه تثبیت‌شده‌ای وجود نداشته باشد، پس از پایان سالی که اجرا در آن اتفاق افتاده است، حمایت می‌شود.» ماده ۶۵ چنین مقرر می‌کند که «حقوق مذکور در این فصل [فصل دوم: حقوق تولیدکنندگان حامل‌های شنیداری] از تاریخ انتشار حامل شنیداری تا پایان دهمین سال کامل پس از سالی که حامل شنیداری منتشر گردیده و در صورت عدم انتشار، تا پایان دهمین سال کامل پس از سالی است که حامل شنیداری تثبیت شده است، قابل حمایت است.»

طبق ماده ۶۷ لایحه «حقوق مذکور در ماده ۶۶ [ماده احصاکننده حقوق مادی سازمان‌های پخش] از تاریخ اولین پخش برنامه رادیو - تلویزیونی تا پایان دهمین سال کامل پس از سال پخش برنامه رادیو - تلویزیونی مورد حمایت می‌باشد.» ملاحظه می‌شود که مدت حمایت از حقوق مادی اجراکنندگان ۵۰ سال بوده که با استاندارد مقرر در معاهده اجراها و فونوگرام‌های سازمان جهانی مالکیت فکری

و همچنین موافقت‌نامه تریپس هماهنگ است، اما آنچه در لایحه برای آوانگارها و سازمان‌های پخش در نظر گرفته شده است، صرف نظر از منطقی که توسط نویسندگان لایحه دنبال می‌شده، کم‌تر از استانداردهای دو مقرر بین‌المللی و حتی کم‌تر از کمینه مندرج در کنوانسیون رم می‌باشد. بنابراین از منظر همسویی با مقررات بین‌المللی مناسب به نظر نمی‌رسد. مسلماً الحاق ایران به هرکدام از مقررات بین‌المللی حقوق مجاور مستلزم افزایش مدت حمایت از سازمان‌های پخش به حداقل بیست سال است و در صورت تمایل به الحاق به کنوانسیون رم یا معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری، مدت حمایت از حقوق تولیدکنندگان فونوگرام به ترتیب باید به حداقل بیست سال یا پنجاه سال افزایش یابد.

نتیجه‌گیری

حمایت مناسب از پدیدآورندگان آفرینش‌های فکری و اشاعه‌دهندگان این آثار نه تنها نیازمند قوانین ملی منسجم، به‌روز، جامع و کارآمد است، بلکه به دلیل وصف غیر مادی بودن اموال فکری، سهولت جابجایی و نقل و انتقال آن و همچنین سهولت نقض حقوق مترتب بر آن، جایگاه این اموال در تجارت بین‌الملل و جایگاه محصولات علمی و ادبی در تبادلات فرهنگی بین کشورها، یکنواختی و یا حداقل تشابه و نزدیکی بین قوانین کشورها، امری اجتناب‌ناپذیر است. شباهت بین مقررات کشورها با حفظ و احترام به اصل استقلال حاکمیت‌ها، نظام حقوقی حاکم بر اشخاص و اموال موجود در نظام مالکیت فکری را وحدت بخشیده یا همگون می‌کند و در نتیجه آن، دارندگان حق و همچنین متقاضیان انعقاد قرارداد در راستای تجاری‌سازی اموال فکری و حتی جامعه به عنوان کاربر نهایی می‌تواند موقعیت خود را درک و ارزیابی کرده، اقدامات آتی و سود و زیان خود را پیش‌بینی نماید. به منظور نیل به این ثبات، جامعه جهانی با وضع مقررات منعطف بین‌المللی و تشویق کشورها به عضویت در آن‌ها، دولت‌های عضو را به تبعیت از اصول و ضوابط مندرج در این مقررات واداشته، به تدریج با افزایش کشورهای عضو، قوانین ملی آن‌ها در مسیر همسویی با استانداردهای منعکس در مقررات بین‌المللی تغییر کرده، مقررات متحدالشکلی در گستره وسیعی از جهان به وجود آمده است.

امروزه تعداد ۱۸۳ کشور به کنوانسیون برن به عنوان مهم‌ترین مقرر بین‌المللی راجع به حقوق مؤلف و ۹۲ کشور به کنوانسیون رم که مهم‌ترین سند بین‌المللی در حمایت از حقوق مجاور است، ملحق شده‌اند، یعنی مقررات حقوق مؤلف و حقوق مجاور این کشورها در سطح استانداردهای این دو کنوانسیون در خصوص

مواردی چون آثار و فعالیت‌های مشمول حمایت، مدت حمایت، حقوق مادی و معنوی اعطایی، اشخاص ذی‌نفع و اصل اساسی رفتار ملی یکسان هستند و تمامی آن‌ها با طی فرآیند الحاق، بایسته‌ها و احکام آمره این اسناد را در حقوق ملی خود وارد کرده‌اند و آن را نسبت به همه افراد اعم از اتباع خودی و بیگانه اجرا می‌کنند. تبعیت حقوق ملی کشورها از هنجارهای واحد بین‌المللی به معنای متحدالشکل شدن آن حقوق است و ثبات و اعتدال در حمایت از پدیدآورندگان و اشاعه‌دهندگان آثار ادبی و هنری نتیجه این وحدت مقررات ملی است.

ایران برخلاف عضویت در سازمان جهانی مالکیت فکری و الحاق به تعداد قابل توجهی از مقررات بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت صنعتی، به هیچ کدام از اسناد بین‌المللی مالکیت ادبی و هنری ملحق نشده، تبعاً نه از حقوق و امتیازات ناشی از الحاق برخوردار شده و نه به تعهدات مندرج در این مقررات ملتزم می‌باشد. با این حال، صرف نظر از میزان هماهنگی مقررات فعلی به طور خاص قوانین حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ با موازین بین‌المللی، رویکرد قانونگذاری ایران در تدوین لایحه مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط کاملاً با مقررات بین‌المللی حوزه کپی‌رایت همسو و هماهنگ است.

اولاً این لایحه جامع‌نگر بوده و حقوق مؤلف و حقوق مرتبط را در کنار هم مورد توجه قرار داده است. این نوع نگاه به تعادل و توازن بین حقوق پدیدآورندگان، صاحبان حقوق مجاور، ناشران و مصرف‌کنندگان (جامعه) منجر می‌شود؛ ثانیاً موارد مهمی متناسب با تغییرات مقررات بین‌المللی به ویژه موافقت‌نامه تریپس و معاهدات اینترنتی سازمان جهانی مالکیت فکری در لایحه پیش‌بینی شده است، از جمله توجه به برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های داده به عنوان اثر مورد حمایت،

تصریح به اصل دوگانگی ایده و بیان و عدم حمایت از ایده، مصرح قرار دادن کلیه حقوق مادی پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مجاور و اضافه کردن حق توزیع و حق اجاره، تشریح حقوق معنوی مؤلف، پذیرش آزمون سه گام در استثنایها و محدودیت‌های حقوق مادی مؤلف، تصریح موردی به استثنایهای مندرج در کنوانسیون برن و توجه به حقوق معلولین به تبع کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و معاهده ۲۰۱۳ مراکش. لایحه در خصوص مدت حمایت از آثار عکاسی، از کنوانسیون برن تبعیت کرده، حمایت طولانی‌تر مذکور در معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری را نپذیرفته است.

همچنین مدت حمایت از تولیدکنندگان فونوگرام‌ها و سازمان‌های پخش رادیویی نیز کم‌تر از حداقل مندرج در مقررات بین‌المللی حتی کنوانسیون رم پیش‌بینی شده است که الحاق ایران به این کنوانسیون یا معاهده اجراها و فونوگرام‌ها، تغییر این زمان‌ها را ایجاب می‌کند.

این هماهنگی و همسویی قابل توجه و ستودنی لایحه با ضوابط بین‌المللی راجع به حقوق مؤلف و حقوق مرتبط بیانگر واقع‌بینی تنظیم‌کنندگان لایحه و اعتقاد آن‌ها به ضرورت هم‌نوایی با نظام بین‌الملل مالکیت فکری بوده و در راستای آماده‌سازی نظام حقوق مالکیت فکری کشور برای الحاق به سازمان جهانی تجارت و قبل از آن، عضویت در کنوانسیون‌های برن و رم می‌باشد، چه این‌که با استناد به بند ۱ ماده ۹ تریپس پذیرش این موافقت‌نامه، الزاماً کشور را به تعهدات ماهوی مندرج در مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن و پیوست آن پایبند کرده و عدم الحاق قبلی به این کنوانسیون، امکان تمتع اتباع ایرانی را از حقوق مذکور در آن محروم نمی‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Territoriality Principal
 2. Author's Rights
 3. Related Rights
 4. Neighboring Rights
 5. TRIPS: The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights
 6. WIPO Internet Treaties
 7. WCT: WIPO Copyright Treaty
 8. WPPT: WIPO Performances and Phonograms Treaty
۹. در حال حاضر (تا تاریخ هفتم ژانویه ۲۰۱۷)، طبق اطلاعات مندرج در سایت سازمان جهانی مالکیت فکری، ۱۸۳ کشور عضو کنوانسیون برن و ۹۲ کشور عضو کنوانسیون رم هستند.
10. Literary and Artistic Property Law
 11. Civil-Law Countries
 12. Author's Right (Droit d'auteur)
 13. Copyright System
 14. Instrumentalism
 15. Incentive Theory
 16. Social-Oriented
 17. Natural Rights Theory
 18. Creator-Oriented
 19. Common-Law
 20. Civil-Law
۲۱. مؤلفین غالب اوقات از آثارشان به وسیله اعطای مجوز استفاده از آن‌ها به تهیه‌کنندگان و ناشران، بهره‌برداری می‌کنند. به همین سبب کپی‌رایت ستون فقرات اقتصادی صنایع فرهنگی است.
۲۲. ماده ۱ کنوانسیون برن: «کشورهایی که در آن‌ها این کنوانسیون اجرا می‌شود، اتحادیه‌ای را برای حمایت از حقوق مؤلفین نسبت به آثار ادبی و هنری‌شان تشکیل می‌دهند.»
23. Berne-plus
 24. The TRIPs Agreement sets these standards firstly by requiring compliance with the substantive obligations of the main conventions of the World Intellectual Property Organization (WIPO), the Paris Convention and the Berne Convention in their most recent versions.
 25. Silent
 26. Inadequate
 27. Berne-Plus

۲۸. برخلاف آنچه در بند ۱ ماده ۹ تریپس آمده و کشورهای عضو را به پایبندی به مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن ملزم کرده است.

۲۹. در خصوص حصری یا تمثیلی بودن موارد مندرج در ماده ۲ قانون، ر.ک.: زرکلام، ستار. (۱۳۸۷ ش.). حقوق مالکیت ادبی و هنری. تهران: سمت، ص ۵۶.

30. Computer Programs

31. Compilations of Data (Databases)

32. Derivative Works

33. Idea-expression Dichotomy

۳۴. در خصوص وضعیت ایده در حقوق مالکیت فکری، ر.ک.: میرشمسی، محمدهادی. جلائیان دهقانی، حسام. تیموری، علیرضا. (۱۳۹۳ ش.). ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری. مجله حقوق اسلامی. شماره چهلیم، صص ۱۰۴-۷۱.

35. Moral Right

36. Economic Right

37. Right of Reproduction

38. Right of Publication

39. Right of Rental

40. Right of Distribution

41. Right of Public Performance

42. Right of Broadcasting

43. Right of Communication to the Public

44. Wireless Means

45. Rebroadcasting

46. Right of Translation

47. Right of Adaptation

48. Limitations

49. Exceptions

50. Free Use

51. Non-Voluntary Licenses

52. Equitable Remuneration

53. Three-Step Test

۵۴. برای اطلاع بیشتر نسبت به این موضوع، ر.ک.: میرشمسی، محمدهادی. (۱۳۹۴ ش.). دسترسی نابینایان به آثار نوشتاری؛ استثنایی بر کپی‌رایت. مجموعه مقالات همایش ملی جامعه بینا شهروند نابینا، دانشگاه کاشان.

55. Photographic Works
 56. Works of Applied Art
 57. In respect of photographic works, the Contracting Parties shall not apply the provisions of Article 7(4) of the Berne Convention.

فهرست منابع

الف - فارسی:

- زرکلام، ستار. (۱۳۸۸ ش.). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. تهران: سمت، چاپ دوم، صص ۳۱، ۵۶-۵۵، ۶۱، ۸۰، ۱۵۱.
- کلومبه، کلود. (۱۳۸۵ ش.). *اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان*. مترجم علیرضا محمدزاده وادقانی، تهران: میزان، چاپ اول، ص ۱۹۵.
- میرشمسی، محمدهادی. (۱۳۹۴ ش.). *دسترسی نابینایان به آثار نوشتاری؛ استثنایی بر کپی‌رایت*. مجموعه مقالات همایش ملی جامعه بینا شهروند نابینا، دانشگاه کاشان، صص ۲۸۱-۲۵۵.
- میرشمسی، محمدهادی. جلائیان دهقانی، حسام. تیموری، علیرضا. (۱۳۹۳ ش.). ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری. *مجله حقوق اسلامی*. شماره چهلیم، صص ۱۰۴-۷۱.

ب - لاتین:

- BIRPI. (1969). *Guide d'application de la convention de Paris pour la protection de la propriété industrielle*, Royaume-Uni, 9.
- Fitzgerald, A. (2004). *Intellectual Property in Principle*. Sydney: Lawbook Co, 10.
- Goldstein, P. (2001). *International Copyright: Principles, Law and Practice*. New York: Oxford University Press, 3.
- Llompert, J. (1997). *Legal Philosophy Guide*. Tokyo: Seibundou, 87.
- Max Planck Institute for Comparative Public Law and International Law. (2009). *WTO - Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights*. Boston: Martinus Nijhoff Publishers Leiden, 2, 4, 13.
- Matthews, D. (2002). *Globalising Intellectual Property Rights*. London: The TRIPs Agreement, 46-47.

- McKeough, J. Bowrey, K. Griffith, P. (2002). Intellectual Property: Commentary and Materials. 3th edited, Sydney: Lawbook Co, 19.
- Morimura, S. (1998). The Revival of Locke's Property Theory. Tokyo: Yuuhikaku, 255.
- OMPI. (1978). Guide de la convention de Berne pour la protection des œuvres littéraires et artistiques (Acte de Paris, 1971). Genève: Organisation mondiale de la propriété intellectuelle, 96.
- Ricketson, S. Creswell, C. (2001). The Law of Intellectual Property: Copyright, Designs and Confidential Information. 2th edited, Sydney: Lawbook Co, 135.
- Taubman, A. Wager, H. Watal, J. (2012). A Handbook on the WTO TRIPs Agreement. New York: Cambridge University Press, 37-40, 44-47.
- WIPO. (1981). Guide to the Rome Convention and to the Phonograms Convention. Geneva: WIPO Publication, No.617 (E), 121.
- WIPO. (2008). WIPO Intellectual Property Handbook. Geneva: WIPO Publication, No.489 (E), 262, 347.
- WIPO. (2007). Guide to the Application of the Paris Convention for the Protection of Industrial Property. Geneva: WIPO Publication, 19-20.
- WTO. (2012). A Handbook on WTO-TRIPs Agreement. New York: Cambridge University Press, 11.

یادداشت شناسه مؤلف

محمدهادی میرشمسی: استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

پست الکترونیک: mh_mirshamsi@atu.ac.ir

Integration of IRAN legislature's Approach with International Regulations in field of Literary and Artistic Property Law

Mohammad Hadi Mirshamsi

Abstract

In literary and artistic property law, according to the principle of independence of sovereign governments, each nation, according to local conditions and requirements and considered policies, regulatory for the protection of creators of literary and artistic works and of holders of neighboring rights. However, differences in national laws due to differences in approaches, policies and his developing level them, causes dispersion and dispersion dealing with literary and artistic works and activities in the field of science, literature and art is made; for countries to draw up their national interests with the same thing, different behavior, as a result, the holder of the rights (including author or neighboring rights owner) depending on the applicable laws, of different protections and enforcements will be uneven. Less bilateral treaties and international multilateral conventions most treatments for this disorder rules at the global level. Berne and Rome conventions is the first and most important international regulations in the field of copyright and related rights are gone, and membership of a large number of countries (respectively 172 and 92) succeed in order to create international uniform standards and norms and uniting of national laws in the countries. TRIPs agreement and WIPO internet treaties also confirming provisions of both conventions and adding necessary provisions, including provisions to suit the digital space, proximity between national laws. Iran did not be joined to any international regulations concerning literary and artistic property, also at the national level, acts in these field has not been reformed and fundamental changes and has not been adapted to technological changes. However, literary and artistic property law bill the aggregation provisions of copyright and related rights, with international regulations specially WIPO internet treaties, as regard to

the protection of works, performances and phonograms both in real space and in cyber space on several occasions has integration and coordination and have its final adaptation by the legislature could be approximate Iran's national law to international law and standards of the World intellectual property organization in field of copyright.

Keywords

International Regulations of Copyright And Neighboring Rights, Cyber Space, WIPO Internet Treaties, Integration With International Standards